

برای حل بحران‌های منطقه‌ای باید نگاه سیستمی در پیش گرفت



نشست «رویکردها و راهبردی ایرانی - روسی در قبال تحولات منطقه‌ای و جهانی» با حضور رییس و جمعی از اعضای کلوب ایزبورسک، از مراکز مطالعاتی متنفذ روسیه در بنیاد مطالعات قفقاز برگزار شد. میهمانان روسیه‌ای این نشست عبارت بودند از شاملیل سلطانوف، لئونید ایواشوف، الکساندر ناگورنی و ویتالی آوریانوف، که در کنار الکساندر پراخانوف، رییس کلوب ایزبورسک، به تبیین نگرش‌ها و نظرات خود در باب شماری از مسایل مهم منطقه‌ای و جهانی از جمله روابط جمهوری اسلامی ایران و روسیه پرداختند.

به گزارش آران نیوز، الکساندر پراخانوف، نویسنده سرشناس روس و سردبیر روزنامه زافترا، در ابتدای نشست خاطرنشان کرد که در پی فروپاشی شوروی در ۱۹۹۱، غربگراها با شعارهای لیبرال صحنه‌گردان قدرت در روسیه شدند و رفتاری خیانت‌بار در پیش گرفتند و البته کارنامه عملکرد آنها خیلی سریع نشان داد که روسیه برای نجات از گرداب سقوطی که در نتیجه رویکردهای غربگرایانه‌ی آنها و رفتار خصمانه غرب در قبال این کشور بدان دچار شده بود چاره‌ای جز بازگشت به هویت و آرمان تاریخی خویش ندارد و بدینگونه ضرورت بساختن دولت با ماهیت روسیه‌ای مدرن و البته متکی بر شالوده‌ها و سنت‌های اصیل بیش از همیشه آشکار شد.

او ادامه داد: تلاش باشگاه ایزبورسک بر این است که فضای لیبرالیستی غالب در روسیه را تغییر دهد و در جهت کمک به ایجاد فضایی مناسب برای مردم روسیه و دارای هارمونی با سنت‌ها و نگرش‌های بومی این کشور گام بردارد؛ لذا جای تعجب نیست که در این باشگاه از کارشناسان مسایل سیاسی - اجتماعی و فرهنگی تا هنرمندان و فعالان مذهبی و متخصصان مسایل اقتصادی در جهت نیل به اهداف فوق‌الذکر که بخشی از آن معطوف به ارائه‌ی کمک‌های مشورتی به سیاستگذاران و سیاست‌سازان روسیه است، مشغول فعالیت و همکاری هستند.

رییس کلوب ایزبورسک، هدف از سفر به ایران را گفت و گو و تبادل نظر با کانون‌های فکری و مطالعاتی ایران و ارتقای شناخت طرفین از یکدیگر و فراهم آوردن زمینه‌های درک و مفاهمه بهتر میان نخبگان ایرانی و روسیه‌ای عنوان کرد.

وی خاطرنشان کرد که فصل نوینی از مناسبات بین ایران و روسیه آغاز شده است که بخشی از آن در نبرد مشترک علیه تروریسم در سوریه تجلی یافته است. همکاری‌هایی که محصول مواضع مسوولانه و خیرخواهانه دو کشور در قبال تحولات منطقه‌ای و جهانی است که می‌تواند در کنار پیوندهای فرهنگی و معنوی دو کشور و رویکردهای کلان دو کشور در عرصه بین‌المللی زمینه‌ساز همکاری‌های گسترده طرفین در وجوه مختلف شود.

حسینی: ارائه‌ی تحلیل‌های واقع‌گرایانه و وظیفه مراکز مطالعاتی دو کشور است مهدی حسینی تقی‌آباد در نشست درباره روابط ایران و روسیه عنوان کرد: در سال‌های اخیر مناسبات و همکاری‌های ایران و روسیه به رغم آنکه تبادلات تجاری دو کشور رقم یابینی را نشان می‌دهد و با وجود فراز و فرودهای زیاد، ابعاد گوناگون و در مواردی راهبردی داشته است که یکی از مهم‌ترین آن‌ها در موضوع سوریه تبلور یافته است. در بزنگاه‌های مختلف در بحران سوریه شاهد تلاش‌های مشترک ایران و روسیه در برابر دخالت‌های بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی در مسایل داخلی این کشور و حمایت از دولت قانونی سوریه در برابر تروریست‌های فعال در خاک سوریه بوده‌ایم.

مدیرعامل بنیاد مطالعات قفقاز عنوان کرد: یکی از نقاط عطف این همکاری‌ها با آغاز رسمی مداخله نظامی روسیه در سوریه در ۳۰ سپتامبر ۲۰۱۵ رقم خورد، رویدادی که موجد ظرفیت‌های همکاری طرفین در برابر خطر تروریسم پنهان‌شده در پوشش افراط‌گرایی مذهبی در منطقه خاورمیانه شد و به موازات شماری مشوق‌ها و کاتالیزورها برای ارتقای روابط دو کشور، به تحرک بخشی در مناسبات دوطرف، یاری رساند. نقطه‌ی عطف این تحركات با سفر ریاست جمهوری روسیه به ایران در دوم آبان‌ماه ۱۳۹۴ (۲۳ نوامبر ۲۰۱۵) و دیدارهای ایشان در تهران، به ویژه دیدار مهم آقای پوتین با رهبر انقلاب اسلامی رقم خورد.

این کارشناس مسایل قفقاز با اشاره به دیدار پوتین و رهبر انقلاب تاکید کرد: دیداری که مقام معظم رهبری در آن اظهار کردند که ایران خواهان روابط بلندمدت، همه‌جانبه و باثبات با کشور روسیه است. نکته‌ای که می‌توان آن‌را حلقه‌ی مفقوده‌ی روابط دو کشور در سال‌های گذشته دانست، که مثال‌های مربوط به آن پرشمار و در دسترس هستند. به هر روی بر همگان روشن است که برآیند تحولات صورت گرفته در منطقه و دستاوردهای دستگاه دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران به فراهم آمدن آرایه‌ی جدیدی با حضور مولفه‌های گوناگون در سپهر سیاست خارجی ایران منتهی شده است.

حسینی افزود: تحرک بازیگران گوناگون برای تنظیم و تقویت مناسبات با ایران افزایش پیدا کرده است که در این بین جایگاه روابط ایران و روسیه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است که وظیفه مراکز مطالعاتی و کانون‌های فکری دو کشور آسیب‌شناسی مناسبات و آرایه‌ی تحلیل‌های واقع‌گرایانه از ماهیت و ظرفیت‌ها و فرصت‌های روابط طرفین معطوف به ارتقای مناسبات، با عنایت به مولفه‌های مختلف و متنوع اثرگذار در جنبه‌های منفی و مثبت است.

مدیرعامل بنیاد مطالعات قفقاز اضافه کرد: وقتی گلیه‌های شما از دولت‌های غربگرای روسیه در سال‌های نخست پس از فروپاشی شوروی را می‌شنویم به یاد قرارداد ۱۹۰۷ روسیه - انگلیس و تلاش‌های صورت گرفته برای مصالحه دو قدرت در بازی بزرگ می‌افتیم که برخی تاریخ نگاران بر این باورند که وزیر خارجه غربگرای نیکلای دوم، الکساندر ایزولسکی در مذاکرات با طرف انگلیسی امتیازات بزرگی را واگذار کرد که ما به ازای مناسبی را برای آن نگرفت. داوری‌ای که در مورد عملکرد رجال دربار الکساندر دوم در نیمه دوم قرن نوزدهم نیز در تاریخ‌نویسی روسیه به چشم می‌خورد. به نظر می‌رسد که جریان‌های میهن‌پرست روسیه که شما نیز نمایندگانی از آن هستید نگاه مثبتی به هموطنان غربگرای‌شان ندارند. این کارشناس مسایل حوزه قفقاز با اشاره به تفلیس، محل تولد الکساندر پراخانوف، تصریح کرد: انتظار می‌رود که رییس محترم کلوب ایزبورسک آشنایی پیشینی و قدیمی نسبت به موارث فرهنگی و ابعاد تمدنی ایران داشته باشند که چنین داشته‌هایی می‌تواند زمینه‌ساز مناسبی برای ارتقای درک و مفاهمه متقابل بین نخبگان و به تبع آن‌ها دولتمردان طرفین باشد.

شاملیل سلطانوف: برای حل بحران‌های منطقه‌ای باید نگاه سیستمی در پیش گرفت شاملیل سلطانوف، رییس مرکز تحقیقات استراتژیک روسیه - جهان اسلام در ادامه نشست درباره اهمیت قفقاز برای ایران و روسیه توضیح داد: ما هم مسایل در آسیای مرکزی، روسیه و قفقاز را مانند یک زنجیره‌ی پیوسته مورد بررسی قرار می‌دهیم. برژینسکی این منطقه را «منطقه‌ی بی‌ثباتی» می‌خواند و من معتقدم که این مناطق نه به دلیل فعالیت‌های ملی‌گرایانه، بلکه به واسطه‌ی دخالت‌های غربی‌ها دچار تشنج‌های پرشمار است.

او با توجه به نابسامانی در منطقه قفقاز اظهار کرد: درست است که قفقاز به مثابه یک موجودیت جغرافیایی دچار بحران‌های گوناگون از جمله افراط‌گرایی مذهبی، جدایی‌طلبی، درگیری‌های نژادی و... است اما باید توجه داشت که ما با زنجیره‌ای متصل از بحران‌ها که از غرب چین و کشمیر آغاز می‌شود و سپس از آسیای مرکزی می‌گذرد و به قفقاز می‌رسد مواجهیم. منطقه‌ای که تمام پهنه‌ی آن کمابیش آستان دگرگونی و انقلاب است و وقتی من از دخالت‌های غربی‌ها سخن می‌گویم منظورم واکنش‌های آنها نسبت به این

انقلاب های بالفعل و بالقوه است.

سلطانف درخصوص انقلاب های منطقه تصریح کرد: یکی از اصلی ترین انقلاب هایی که در این منطقه رخ داد، انقلاب اسلامی ایران است که در واپسین سال دهه ۷۰ میلادی رخ داد و خود به مثابه محرک و مقومی برای ظهور انقلاب های اصیل و مردمی در منطقه ظاهر شد و البته غربی ها را نیز به واکنش واداشت. به نظر من انقلاب هایی نظیر انقلاب

اسلامی ایران تنها به دست انسان ها شکل نمی گیرد، بلکه دست خدا را در این انقلاب ها می توان دید.

رییس مرکز تحقیقات استراتژیک روسیه - جهان اسلام با اشاره به پیچیدگی مسایل در منطقه عنوان کرد: در سال های گذشته وضعیت خاورمیانه بسیار ساده تر از امروز بوده است و در حال حاضر تحلیل مسایل بسیار پیچیده است. خاورمیانه ی ۲۰۱۰ بسیار پیچیده تر از خاورمیانه ۱۹۹۶ و البته خاورمیانه ۲۰۱۶ به مراتب پیچیده تر از خاورمیانه ۲۰۱۰ است. این موضوع چیزی است که به آن افزایش «ابهام استراتژیک» می گویم؛ البته ابهام در تحلیل وقایع به دلیل کم سوادی کارشناسان و تحلیلگران نیست بلکه وضعیت امروز منطقه بسیار مبهم و آشفته است، تعدد و درهم تنیدگی مسایل و بحران ها و تکتک بازیگران آشکار و پنهان، تصویر خاورمیانه را سخت تیره و تار ساخته است. این عضو کلوب ایزبورسک ادامه داد: نباید از خاطر برد که ما با یک سیستم ممتد از دگرگونی ها و انقلاب ها در پهنه ای گسترده مواجهیم و نمی توانیم مشکل سوریه، قفقاز یا کشمیر را به صورت مجزا و منفرد حل کنیم، چون همه ی اینها در عمل در یک سیستم واحد قرار دارند. شک نکنید که نمی توان مشکل سوریه حل کرد بدون اینکه به بحران عراق توجه کرد.

لئونید ایواشوف: قدرت های منطقه چهارم شامل روسیه، ایران و هند می شوند

ژنرال لئونید ایواشوف، رییس آکادمی مسایل ژئوپلیتیک روسیه در مورد اهمیت رابطه ایران و روسیه گفت: ایران برای روسیه در مورد برخی از مسایل خاص بسیار مهم است و اولین مساله ای که می خواهیم در مورد آن صحبت کنیم این است که ایران چطور ریسک دوستی با غرب را پذیرا شد؟ ما در روسیه از فرمولی پیروی می کنیم، آن هم این است که بدتر از جنگ با آنگلساکسون ها، دوستی با آنهاست.

او تاکید کرد: مدتها زمان صرف شد تا نخبگان سیاسی روسیه پی بردند که غرب و روسیه هیچ وقت دوستان خوبی برای یکدیگر نخواهند شد. ما اکنون در بنیاد مطالعات قفقاز سخنرانی می کنیم و جا دارد بگویم که در حال حاضر روسیه متوجه شده که در قفقاز کدام کشور دوست و کدام دشمن اوست.

عضو کلوب ایزبورسک با اشاره به اهمیت درک ماهیت قفقاز گفت: ما باید بدانیم ماهیت قفقاز چیست؟ به نظر من قفقاز به مثابه یک لابراتوار جهانی است. نباید از خاطر ببریم که تعریف مشخصی از ملت قفقاز نداریم. اما در این منطقه تجربه همکاری و همزیستی فرهنگ های مختلف را داریم و علاوه بر آن می توان گفت قفقاز تقاطع همه جهان است و همه تمدن ها و فرهنگ ها در آنجا حضور دارند.

ایواشوف درباره واکنش روسیه نسبت به مسایل قفقاز عنوان کرد: برخی می گویند که در جهان صرفا سه کانون محوری و قدرتمند ژئوپلیتیک وجود دارد که عبارتند از آمریکای شمالی، اروپا و چین؛ اما ما معتقدیم که می توانیم محور چهارم ژئوپلیتیک را ایجاد کنیم که قدرت های منطقه چهارم شامل روسیه، ایران و هند می شوند. این ارتباط می تواند یک تعادلی در منطقه برقرار کند.

رییس آکادمی مسایل ژئوپلیتیک روسیه افزود: موضوع دیگر خارج شدن غرب از عرصه های بین المللی است، که به مرور شرق جای آن را خواهد گرفت، بنابراین تئوری نظم نوین جهانی معطوف به این انتقال کانون قدرت مطرح می شود. ما تحلیلگران موظف هستیم تا سناریوهای گوناگون در مورد نظم نوین جهانی را بررسی کنیم. بر این اساس می توانیم مدل های اقتصادی - امنیتی جدیدی نیز ارائه دهیم.

او در پایان اظهار کرد: یکی از دلایل جذابیت ایران برای ما این است که این کشور دانش و فناوری را به موازات اهتمام خویش برای صیانت از ارزش های معنوی و روحانی خود خواستار شد و به قربانی نمودن هیچیک از این مولفه های قدرت در مسلخ دیگری نپرداخت و این اهتمام با آنچه که در نسخه های غربی ها برای جهانیان پیچیده شده است متفاوت بوده و هست.

الکساندر ناگورنی: بخش مهمی از منافع استراتژیک چین و روسیه در سوریه حل و فصل خواهد شد

الکساندر ناگورنی، دبیر اجرایی کلوب ایزبورسک با ارائه تحلیلی در مورد نقش چین در آسیا اضافه کرد: چین در حال تبدیل شدن به قدرت جهانی است و علاقه چین به ایران نیز قابل درک است. نیاز استراتژیک چین ایجاد یک کریدور زمینی از طریق آسیای مرکزی است که به واسطه آن بتواند به منابع انرژی دست پیدا کند. در این بین یکی از زمینه های همکاری که میان روسیه و چین وجود دارد ناشی از این است که چین مایل است تا ثبات امنیتی و سیاسی در این مسیر حفظ شود. روسیه و چین طولانی ترین مرز مشترک زمینی را دارند و چین به دنبال ثبات در این خط فصل است و این مرز به حیاط خلوتی برای چین تبدیل شده است.

معاون اتحادیه کارشناسان سیاسی روسیه ادامه داد: باید توجه داشت که بخش مهمی از منافع استراتژیک چین و روسیه در سوریه حل و فصل خواهد شد. اهمیت چند وجهی سوریه برای روسیه می بیند سبب دستیابی روسیه به یک تصمیم قطعی در قبال سوریه و حمایت جدی از حکومت بشار اسد شد. باید توجه داشت که سوریه یکی از نقاط تقارن منافع روسیه و چین است.

ناگورنی در پایان تاکید کرد: روسیه از ایران و چین توقع دارد تا فعالانه در بحران سوریه وارد شوند. باید توجه داشت که اگر آمریکا و ترکیه بتوانند دولت سوریه را عوض کنند، دست بالا را در منطقه به دست خواهند آورد و شکست های دومینو واری به ایران، چین و روسیه تحمیل خواهد شد. در ضمن نباید از خاطر برد که اگر اکنون شاهد انعطاف هایی در سیاست آمریکا در منطقه هستیم بخش عمده ای از آن ناشی از شرایط داخلی این کشور متأثر از انتخابات است و ایالات متحده به طور قطع پس از انتخابات سیاست های خود در خاورمیانه را تغییر خواهد داد، بنابراین حامیان دولت سوریه باید از این زمان طلایی نهایت استفاده را ببرند.

ویتالی آوریانوف: با تداوم روند فعلی روسیه به زودی قفقاز شمالی را از دست خواهد داد

ویتالی آوریانوف مدیر موسسه محافظه کاری پیشرو روسیه سخنان خود را با گزارشی از منطقه قفقاز آغاز کرد و افزود: ما بر این باوریم که با تداوم روند فعلی روسیه به زودی قفقاز شمالی را از دست خواهد داد زیرا از سویی رفع و رجوع مسایل منطقه به شکل فعلی بودجه های سنگینی را طلب می کند و از سوی دیگر در شرایط کنونی اقتصادی روسیه پاسخگویی به این مطالبات بودجه ای میسر نیست و البته این تنها یک بخش ماجرا است.

او ادامه داد: البته ما طرح هایی را برای بهبود وضعیت در قفقاز شمالی و حفظ آن در تمامیت روسیه مطرح کرده ایم که یکی از آنها کاهش تاکید بر مولفه تعلق بر واحد جغرافیایی در مساله هویت مردم منطقه همزمان با برکشیدن و عرصه دادن به هویت قومی آنان است. یعنی آنان خود را شهروندان روسیه دارای یک هویت قومی مشخص و نه شهروندان

فلان جمهوری در قفقاز شمالی در سوادی استقلال و جدایی طلبی تعریف کنند.

مدیر موسسه محافظه کاری پیشرو روسیه با اشاره به تلاش برای صنعتی شدن قفقاز شمالی اضافه کرد: صنعتی سازی دوباره قفقاز شمالی یکی دیگر از این طرح هاست. طرحی که جدای از هزینه های مادی، اجرای آن با مشکلاتی نظیر ترک منطقه توسط مهندسان و نیروی کار روس مواجه است. پدیده خالی شدن قفقاز شمالی از روس ها اجرای چنین طرح هایی را دشوار کرده است.

دبیر اجرایی کلوب ایزبورسک اظهار کرد: یکی دیگر از طرح های ما برای حفظ منطقه قفقاز شمالی، بازآفرینی کامل زندگی سنتی در قفقاز شمالی است و این سناریو سبب می شود که مصونیت مردم منطقه در برابر مداخله جویب های غربی ها و تزریق و بروس های افراطی گری مذهبی افزایش یابد. ما معتقدیم که اگر چنین شرایطی ایجاد شود می توان بحران های قفقاز شمالی را حل و فصل کرد.

آوریانوف درباره اهمیت رابطه ایران و روسیه توضیح داد: به نظرم اگر بین ایران و روسیه شراکت استراتژیک ایجاد شود برای هر دو کشور سودمند خواهد بود و بخشی از این

شراکت راهبردی نیز در موضوع قفقاز تجلی خواهد یافت. در چنین شرایطی قفقاز در میان دو شریک استراتژیک محصور خواهد بود و ورود غرب به این منطقه دشوار خواهد شد. عضو کلوپ ایزبورسک درخصوص تاثیر همکاری روسیه و ایران برجهان اسلام گفتس: همکاری میان ایران و روسیه برای جهان اسلام نیز با اهمیت است و می‌تواند در ایجاد نوعی وفاق میان جهان اسلام و روسیه موثر واقع شود. بعد از جنگ چین دیدگاه‌های منفی نسبت به مسلمانان در جامعه روسیه ایجاد شد و باید این دیدگاه‌ها ترمیم شود. اسلام و روسیه اهداف و وظایف مشترک پرشماری دارند که نقش ایران به منزله‌ی یکی از کشورهای کلیدی جهان اسلام در تحقق این اهداف و ادای این وظایف مشترک در تعامل با روسیه انکارناشدنی است.

مدیر موسسه محافظه‌کاری پیشرو روسیه با اشاره به علاقه روسیه برای گسترش ارتباط میان ایران و روسیه عنوان کرد: روسیه تمایل دارد که برای تجهیزات نظامی خودش در کشورهای اسلامی بازار پیدا کند. نه تنها همکاری‌های نظامی خود را گسترش دهد بلکه می‌خواهد ارتباطات عمیق‌تری در زمینه‌های امنیتی، فنی، رسانه‌ای و فرهنگی ایجاد کند.

علاوه بر همکاری‌های نظامی این همکاری‌ها می‌تواند اشتراک‌های بیشتری میان روسیه و کشورهای اسلامی ایجاد کند. حسینی تقی‌آباد: بسیاری از چهره‌های شاخص فرهنگی و ادبی و تاریخی روسیه به نوعی در تعامل با مسلمانان و متأثر از اسلام بوده‌اند مدیرعامل بنیاد مطالعات قفقاز در پایان نشست با اشاره به تجارب دیرپای دیپلماتیک ایران و به ویژه در دو قرن اخیر در رابطه با قدرت‌های بزرگ، به سخنان رییس موسسه مطالعات راهبردی روسیه در سفرش به ایران در مهرماه ۱۳۹۴ اشاره کرد که لئونید ریشیتنیکوف اظهار کرده بود که روسیه اکنون با ۳۷ سال تاخیر وارد مناسبات با جمهوری اسلامی ایران شده است. حسینی این‌دست اظهارات و نگرش‌ها را محصول تحولات اخیر در مناسبات بین‌المللی ایران دانست که دست‌کم در روابط با روسیه منجر به نوعی بازاندیشی و تلاش برای تحرک‌بخشی شده است.

حسینی با اشاره به صحبت‌های دکتر آوریانوف، پیوندهای فرهنگی و اجتماعی ایران و قفقاز شمالی را یکی از مولفه‌های مهم زندگی سنتی در قفقاز شمالی دانست و تاکید کرد: حضور ایران در قفقاز شمالی بر خلاف برخی دیگر از کنشگران فعال در این منطقه می‌تواند به مثابه عاملی در جهت حفظ و احیای حیات سنتی مردم منطقه و سدی در برابر گسترش افراط‌گرایی ظاهر شود، به شرط آن‌که بر خلاف رویه‌ای که تاکنون وجود داشته، درهای این منطقه به روی ایران گشوده شود.

او در ادامه با اشاره به هویت روسی و ارتدوکس تصریح کرد: بسیاری بر این باورند که هویت ملی روسی و مذهب ارتدوکس روسی دو روی یک سکه هستند و به نوعی جدا نشدنی با هم درآمیخته‌اند. خوشبختانه میهن‌پرستی روسی در مقایسه با برخی ما به ازاهای غربی آن وجوه ضد اسلامی ندارد و بسیاری از چهره‌های شاخص فرهنگی و ادبی و تاریخی روسیه به نوعی در تعامل با مسلمانان و متأثر از اسلام بوده‌اند، چنان‌که عقبه خانوادگی شاعر بزرگ روسیه پوشکین، یا بالیدن لرمانتوف در قفقاز یا گذران برهه‌هایی از

تحصیل یا زندگی داستایوفسکی، لئو تولستوی و ماکسیم گورکی در قازان به منزله کانون کهن اسلام در روسیه و تاثیرپذیری آنها از اسلام بر کسی پوشیده نیست.

مدیرعامل بنیاد مطالعات قفقاز باتوجه به ارتباط ادیبان روس به فرهنگ و اسلام در منطقه اظهار کرد: البته با توجه به ارتباط کلوپ ایزبورسک با جنبش اوراسیاگرایی نوین روسیه جا دارد به لف گومیلی‌یف میدع نظریه اوراسیاگرایی نوین روسیه که فرزند آنا آخمتووا بود نیز اشاره شود که خود نشانه دیگری از تاثیرگذاری مولفه‌های گوناگون متأثر و ملهم از

اسلام در فرهنگ روسی است که این بار در پیشینه خاندانی مادر شهیر این نظریه‌پرداز که یکی از شالوده‌های نظریه او ارایه روایت مثبتی از تاثیرگذاری خانان مسلمان اردوی زرین در برآمدن هویت روسی و شکلگیری قدرت فزاینده حاکمیت روسیه از قرن شانزدهم به بعد بوده است تجلی می‌یابد، نظریه‌پردازی که میهمانان روس حاضر در نشست نیز کمابیش متأثر از ایده‌های ایشان هستند.